

چالش‌های ساختاری حقوق تجارت ایران

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۰۳/۰۳)

علیرضا دبستانی رفسنجانی

کارشناسی ارشد حقوق بین الملل / دانشکده حقوق، علوم سیاسی و زبان‌های خارجه دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

چکیده

با وجود سابقه نسبتاً کهن ایران در تدوین قوانین ناظر بر تجارت و فعالیت‌های اقتصادی، ساختار فعلی حقوق تجارت کشور با مشکلات عدیده‌ای مواجه است که مانعی جدی در مسیر توسعه اقتصادی، جذب سرمایه‌گذاری و تعامل مؤثر با نظام تجارت بین‌المللی ایجاد کرده‌اند. این چالش‌ها، نه تنها در سطح تقنینی، بلکه در سطوح نهادی، اجرایی و قضایی نیز ریشه دارند و تداوم آن‌ها به کاهش اعتماد فعالان اقتصادی، فرار سرمایه، و ناکارآمدی نظام حقوقی در حمایت از تولید و تجارت منجر شده است. قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱، که هنوز شالوده اصلی حقوق تجارت ایران را تشکیل می‌دهد، با وجود برخی اصلاحات جزئی در دهه‌های گذشته، نتوانسته پاسخگوی تحولات گسترده در مناسبات تجاری معاصر باشد. این قانون که با الهام از نظام حقوقی فرانسه نگاشته شده است، در بخش‌هایی فاقد انسجام مفهومی و ساختاری بوده و در بسیاری از موارد از نظر مفاهیم، تعاریف، تکنولوژی حقوقی و پیش‌بینی نهادهای پشتیبان، دچار عقب‌ماندگی آشکار است.

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، وجود خلأها و نارسایی‌های جدی تقنینی است که نه تنها موجب ابهام در تفسیر و اجرای قوانین شده، بلکه زمینه‌ساز ایجاد رویه‌های قضایی متعارض گردیده است. تعارض میان مقررات مختلف (از جمله میان قانون تجارت، قانون مدنی، قوانین مالیاتی و مقررات بانکی)، نبود شفافیت در تعیین صلاحیت محاکم، و ضعف در ساختار نهادی دادگاه‌های تجاری، از دیگر مشکلات



اساسی در این حوزه محسوب می‌شود. همچنین نظام ورشکستگی در ایران، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اجزای حقوق تجارت، نه تنها فاقد کارایی کافی در بازسازی بنگاه‌های اقتصادی دچار بحران است، بلکه بیشتر با رویکرد کیفری و تنبیهی به مسئله نگاه می‌کند تا با نگاهی اصلاح‌گرایانه و حمایتی. در حالی که بسیاری از نظام‌های حقوقی پیشرو، ورشکستگی را فرصتی برای بازسازماندهی ساختار بنگاه‌ها و حفظ اشتغال تلقی می‌کنند. نکته مهم دیگر، عدم تخصیصی بودن دادگاه‌های رسیدگی‌کننده به دعاوی تجاری در ایران است. وجود قاضیانی که فاقد دانش تخصصی در حوزه بازرگانی، مالی و بین‌المللی هستند، موجب صدور آراء ناهماهنگ و گاه متعارض شده است. این موضوع، در کنار اطاله دادرسی و نبود سازوکارهای مؤثر برای داوری و حل و فصل جایگزین، اعتماد فعالان اقتصادی به سیستم قضایی را به شدت کاهش داده است.



۱_ نقد الگوی تقنینی فعلی: "قانون گذاری موردی، واکنشی و بدون انسجام"

الگوی تقنینی فعلی حقوق تجارت ایران از منظر ساختار، فلسفه تقنین، و انسجام درونی با انتقادات گسترده‌ای مواجه است. تصویب قانون تجارت در سال ۱۳۱۱، که با الهام از قانون تجارت فرانسه (Code de commerce) تدوین شد، نقطه آغازین یک الگوی حقوقی کلاسیک بود که در زمان خود، پاسخی نسبتاً مطلوب به نیازهای محدود اقتصادی آن دوران به شمار می‌آمد. با این حال، طی یک قرن اخیر، نه تنها ماهیت روابط تجاری دگرگون شده، بلکه تحولات فنی، مالی، ساختاری و بین‌المللی تجارت، نیاز به بازنگری و روزآمدسازی اساسی این قانون را ایجاب کرده است.

یکی از ویژگی‌های منفی نظام تقنینی کنونی، رویکرد موردی و واکنشی در قانون گذاری است؛ به این معنا که قواعد جدید، اغلب در پاسخ به بحران‌ها یا فشارهای سیاسی-اقتصادی به‌طور پراکنده و بدون چارچوب نظری روشن تصویب می‌شوند. برای مثال، تصویب قانون بازار اوراق بهادار (۱۳۸۴)، قانون بهبود فضای کسب و کار (۱۳۹۰) و قوانین متفرق دیگر در حوزه‌های سرمایه گذاری، شرکت‌های دانش بنیان، و مالیات، بدون آنکه در قالب یک معماری جامع حقوق تجارت گنجانده شوند، باعث ایجاد پراکندگی، تعارض و تکرار مقررات شده‌اند.

به بیان دیگر، فقدان یک سیاست تقنینی واحد و هماهنگ در حوزه تجارت، باعث شده است که قوانین متعددی با اهداف متضاد یا در تعارض با یکدیگر وضع شوند، بی‌آنکه نسبت آن‌ها با قانون تجارت اصلی روشن باشد. این امر، افزون بر سردرگمی فعالان اقتصادی، موجب صدور آراء متعارض در محاکم، سلب امنیت حقوقی و بی‌ثباتی در روابط تجاری شده است.

در قیاس تطبیقی، کشورهایی نظیر فرانسه، آلمان و حتی ایالات متحده با وجود تفاوت در نظام‌های حقوقی‌شان (مدون در برابر کامن‌لا)، تلاش کرده‌اند بازنگری منظم و هدفمند قوانین تجاری را در برنامه‌های تقنینی خود قرار دهند. برای نمونه، آلمان با اصلاح تدریجی قانون HGB



(Handelsgesetzbuch) و نیز تدوین مقررات مکمل همچون GmbHG برای شرکت‌ها، توانسته انسجام درونی و کارایی تقنینی خود را حفظ کند.^۱

از سویی دیگر، در ایران تلاش‌هایی برای اصلاح ساختار قانون تجارت در قالب لوایح جدید صورت گرفته است (نظیر لایحه تجارت ۱۳۸۴ و ۱۳۹۸)، اما این تلاش‌ها یا به تصویب نرسیده‌اند یا به صورت جزئی و منفک مورد بررسی قرار گرفته‌اند، بدون آنکه چشم‌انداز جامع‌نگری و انسجام ساختاری رعایت شده باشد. چنین شیوه‌ای، برخلاف اصول بنیادی قانون‌نویسی مدرن است که بر ضرورت وحدت مفهومی، هماهنگی ساختاری، و پیش‌بینی‌پذیری تأکید دارد.^۲

در نتیجه، می‌توان گفت که حقوق تجارت ایران نیازمند تحولی بنیادین در رویکرد تقنینی است؛ تحولی که بر مبنای نظریه حقوقی منسجم، آسیب‌شناسی عمیق، و الگوبرداری هوشمندانه از نظام‌های تطبیقی طراحی گردد و از پراکندگی، واکنش‌گرایی، و روزمرگی در فرآیند قانون‌گذاری پرهیز نماید.

۲_۱ مشکلات اجرایی و بوروکراتیک در تجارت داخلی

یکی از موانع اساسی در توسعه پایدار تجارت داخلی در ایران، وجود رویه‌ها و ساختارهای اجرایی پیچیده، کند، و گاه متضاد با الزامات تجارت مدرن است. این مشکلات نه تنها سبب افزایش هزینه‌های مبادله و کاهش بهره‌وری اقتصادی می‌شوند، بلکه اعتماد فعالان اقتصادی به نظام اداری و حقوقی را تضعیف می‌کنند. در این بخش، به تبیین مهم‌ترین موانع بوروکراتیک و اجرایی تجارت داخلی در ایران پرداخته می‌شود.

^۱ Wulf-Henning Roth, "The Revision of German Commercial Law: Developments and Perspectives", *European Business Law Review*, ۲۰۰۴, Vol. ۱۵, No. ۴, pp. ۸۲۳-۸۳۸.

^۲ دبستانی رفسنجانی، علیرضا، قواعد ناظر بر سازمان‌های تجاری بین‌المللی و شرکت‌های چندملیتی



الف) تعدد نهادهای موازی و فقدان شفافیت نهادی

یکی از ویژگی‌های بارز ساختار اجرایی تجارت در ایران، وجود نهادهای متعدد با صلاحیت‌های هم‌پوشان و بعضاً متعارض است. به عنوان نمونه، برای اخذ مجوز راه‌اندازی یک واحد تولیدی یا بازرگانی، متقاضی باید از نهادهایی چون وزارت صمت، اتاق بازرگانی، سازمان استاندارد، محیط زیست، دارایی و در برخی موارد حتی دستگاه‌های اطلاعاتی یا امنیتی مجوزهای مختلف اخذ کند. این رویه‌های تودرتو و بدون سامانه یکپارچه، سبب اتلاف وقت، افزایش هزینه‌ها و تقویت بستر فساد اداری می‌گردد.

در رتبه‌بندی شاخص سهولت کسب و کار (Doing Business) بانک جهانی، ایران همواره در زیرگروه‌هایی نظیر «شروع کسب و کار»، «دریافت مجوزها» و «ثبت مالکیت» رتبه‌ای پایین‌تر از میانگین منطقه‌ای داشته است. این امر به خوبی گویای شدت مشکلات بوروکراتیک در مراحل ابتدایی فعالیت تجاری است.

ب) عدم دیجیتالی شدن کامل فرآیندها و مقاومت در برابر دولت الکترونیک

با وجود تلاش‌هایی در زمینه راه‌اندازی درگاه‌های ملی مجوزها مانند G4B.ir، بسیاری از فرآیندهای صدور مجوز، ثبت شرکت، ارائه اظهارنامه مالیاتی و امور گمرکی، همچنان به صورت نیمه‌الکترونیک یا کاغذی انجام می‌شود. در عمل، استفاده از سامانه‌های دیجیتال به صورت ناقص، خود باعث کندی بیشتر امور شده و اغلب کاربران ناگزیر به مراجعه حضوری و تعامل مستقیم با کارمندان می‌شوند.

تجربه کشورهای نظیر استونی، سنگاپور و حتی ترکیه، نشان داده که اجرای کامل دولت الکترونیک در حوزه تجارت، می‌تواند شفافیت را افزایش داده، فساد را کاهش دهد و سرعت مبادلات تجاری را بهبود ببخشد.



پ) رویه‌های گمرکی پیچیده و ناکارآمد

تجارت داخلی در ایران به دلیل نقش پررنگ واردات کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه، ارتباط مستقیمی با عملکرد گمرک دارد. با این حال، بسیاری از بازرگانان از روند کند و بوروکراتیک ترخیص کالا، عدم شفافیت در ارزیابی ارزش گمرکی، و تفسیرهای سلیقه‌ای برخی مأموران گلایه دارند. موضوعاتی نظیر تعدد بخشنامه‌های گمرکی، تغییرات ناگهانی در تعرفه‌ها، و موازی‌کاری نهادهایی مانند وزارت صمت و بانک مرکزی، مزید بر علت شده‌اند.

براساس گزارش اتاق بازرگانی ایران (۱۴۰۲)، متوسط زمان ترخیص کالا در برخی بنادر کشور تا ۲۱ روز به طول می‌انجامد؛ در حالی که این رقم در بندر سنگاپور تنها ۱ تا ۲ روز است.

ت) نبود نظام پاسخ‌گویی و تضاد منافع در سطح اجرایی

از دیگر چالش‌های مزمن در حوزه تجارت داخلی، نبود نظام مؤثر پاسخ‌گویی اداری و تضاد منافع برخی مدیران اجرایی است. عدم وجود نظام بازخورد مؤثر، موجب شده است که اشتباهات یا سوءتدبیرهای ساختاری بدون اصلاح باقی بماند و فعالان اقتصادی در برخورد با بروکراسی ناکارآمد، پناهی جز سازش یا خروج از چرخه رسمی اقتصاد نداشته باشند.

همچنین در مواردی، مدیرانی که خود در نهادهای اجرایی مسئول تنظیم‌گری هستند، به‌طور هم‌زمان ذی‌نفع اقتصادی نیز محسوب می‌شوند؛ امری که مغایر اصل بی‌طرفی اداری و تعارض با قواعد حاکمیت شرکتی است.

ث) تشدید گرایش به اقتصاد زیرزمینی و گریز از نظام رسمی

ساختار پیچیده و ناکارآمد بروکراسی در ایران، نه تنها موجب کندی فعالیت‌های تجاری رسمی می‌شود، بلکه بسیاری از بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs) را به سمت اقتصاد غیررسمی سوق



می‌دهد. این پدیده به‌ویژه در بخش‌هایی مانند تجارت خرد، تولیدات خانگی، خدمات واسطه‌گری، و توزیع مواد اولیه صنعتی نمود بیشتری دارد.

مطابق برآوردهای مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴۰۱)، سهم اقتصاد زیرزمینی در ایران بین ۳۰ تا ۳۵ درصد از تولید ناخالص داخلی در نوسان است. بخش مهمی از این حجم، به دلیل عدم دسترسی آسان به مجوزها، مالیات‌های غیرشفاف، و فساد سیستمی شکل گرفته است. این امر، علاوه بر کاهش درآمدهای مالیاتی دولت، موجب نابرابری رقابتی بین فعالان رسمی و غیررسمی می‌شود.

در گزارش بانک توسعه آسیایی نیز تأکید شده است که وجود بوروکراسی سخت‌گیرانه و فساد اداری، از عوامل مستقیم گسترش اقتصاد سایه در کشورهای در حال توسعه به‌شمار می‌رود.

ج) پیشنهادات اصلاحی و کاربردی

به‌منظور مقابله مؤثر با مشکلات اجرایی و بوروکراتیک در تجارت داخلی، مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ و بین‌بخشی مورد نیاز است:

۱. یکپارچه‌سازی نهادهای صدور مجوز و حذف وظایف موازی

راه‌اندازی «پنجره واحد خدمات تجاری» با همکاری نهادهایی مانند وزارت صمت، اتاق بازرگانی، سازمان امور مالیاتی و گمرک، می‌تواند بخش عمده‌ای از موازی‌کاری‌ها را کاهش دهد. این مدل با موفقیت در کشورهایی مانند ترکیه و مالزی اجرا شده است.



۲. پیاده‌سازی کامل دولت الکترونیک و حذف فرآیندهای دستی

سامانه‌های نیمه‌الکترونیکی فعلی باید به سامانه‌های کاملاً خودکار، متصل و پاسخ‌گو تبدیل شوند. برای مثال، ثبت شرکت، دریافت کد اقتصادی، و پرداخت مالیات باید بدون مداخله کارمند و صرفاً از طریق درگاه‌های امن انجام گیرد.

۳. اصلاح قوانین و آیین‌نامه‌های غیرکارآمد و متداخل

ضرورت دارد تمام قوانین و مقررات مرتبط با تجارت داخلی در قالب یک بازنگری جامع و با مشارکت فعالان بخش خصوصی اصلاح گردد. در حال حاضر، تداخل بین آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های متعدد، عملاً فضای پیش‌بینی‌پذیر را از بین برده است.

۴. تقویت نظارت مردمی و سازمان‌های مدنی اقتصادی

افزایش مشارکت نهادهایی مانند اتاق‌های بازرگانی، انجمن‌های صنفی، و رسانه‌های تخصصی در ارزیابی عملکرد اجرایی دستگاه‌ها می‌تواند فشار اجتماعی برای شفاف‌سازی و اصلاح عملکرد را افزایش دهد.

۵. ارتقاء شفافیت در گردش اطلاعات و تصمیمات اداری

انتشار عمومی اطلاعات مربوط به صدور مجوز، فرآیندهای ترخیص کالا، شاخص‌های عملکرد دستگاه‌های اجرایی، و دلایل رد یا تأخیر در خدمات اداری، گام مؤثری در کاهش فساد و بهبود اعتماد فعالان اقتصادی است.

نهایتاً در جمع‌بندی موضوعات مطروحه باید گفت مجموعه مشکلات اجرایی و بوروکراتیک در تجارت داخلی ایران، از عوامل بنیادینی است که فضای کسب‌وکار را با چالش روبه‌رو ساخته و



بهره‌وری اقتصادی را کاهش داده است. راهکارهایی که در بالا ذکر شد، تنها در صورتی به نتیجه می‌رسند که عزم سیاسی برای اصلاح ساختاری در سطوح بالای حاکمیت وجود داشته باشد و مشارکت واقعی ذی‌نفعان بخش خصوصی نیز فراهم گردد. بهره‌گیری از تجارب کشورهای موفق و تطبیق آن‌ها با بافت حقوقی و اداری ایران، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

۳_۱ فقدان پیوند مؤثر میان حقوق تجارت و سیاست‌گذاری اقتصادی

نظام حقوقی تجارت، تنها زمانی می‌تواند کارآمد و مؤثر باشد که در هم‌افزایی با سیاست‌های کلان اقتصادی و برنامه‌های توسعه‌ای کشور شکل گرفته و اجرا شود. در غیاب چنین پیوندی، قوانین تجاری صرفاً به متون حقوقی انتزاعی بدل می‌شوند که نه تنها در عمل اجرایی نمی‌شوند، بلکه بعضاً مانع تحقق اهداف اقتصادی نیز خواهند شد. این شکاف در ایران یکی از دلایل بنیادین ناکارآمدی بخشی از سازوکارهای حقوق تجارت به شمار می‌رود.

الف) عدم هماهنگی در سطح تقنین

قوانین ناظر بر تجارت در ایران عمدتاً بدون انجام مطالعات کلان اقتصادی و تحلیل‌های تأثیرگذاری مقررات (Regulatory Impact Assessment - RIA) تصویب می‌شوند. در حالی که در کشورهای نظیر فرانسه و آلمان، تدوین قوانین تجاری مستقیماً در تعامل با نهادهای اقتصادی و صنعتی انجام می‌شود، در ایران چنین ارتباط نهادمند و مؤثری میان مجلس، دولت، اتاق بازرگانی و نهادهای بخش خصوصی به‌صورت پایدار وجود ندارد. حتی در فرآیند تدوین لوایح جدید تجاری، مشارکت نهادهای توسعه‌ای همچون سازمان برنامه و بودجه یا وزارت اقتصاد به‌صورت نظام‌مند دیده نمی‌شود.



ب) ضعف نهادهای هماهنگ‌کننده

یکی از عوامل مهم ضعف در پیوند حقوق تجارت و اقتصاد، فقدان نهادهای میان‌رشته‌ای برای ارزیابی جامع پیامدهای قوانین و سیاست‌هاست. برخلاف ساختارهایی مانند Conseil d'État در فرانسه یا Regulatory Scrutiny Board در اتحادیه اروپا که وظیفه کنترل کیفی مقررات از منظر اثرات اقتصادی، حقوقی و اجتماعی را دارند، در ایران چنین نهادهای تخصصی با ساختار مشخص دیده نمی‌شود. این موضوع سبب می‌شود قوانین تجاری بدون ارتباط با سیاست‌های حمایت از تولید، تجارت خارجی یا رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs) تصویب شوند.

ج) نبود نظام ارزیابی پس از اجرا (Post-Legislative Review)

بسیاری از مقررات تجاری موجود، پس از اجرا مورد بازبینی و ارزیابی قرار نمی‌گیرند. این در حالی است که نظام‌های حقوقی پیشرو، از جمله نظام حقوقی آلمان، بر ارزیابی مستمر آثار حقوقی و اقتصادی قوانین در عمل تأکید دارند. برای نمونه، در قانون GmbHG آلمان، تغییرات متعددی بر اساس نتایج مطالعات اقتصادی صورت گرفته است.

در ایران اما عدم نظارت کارآمد بر اجرای قوانین تجاری موجب شده است که مقررات، حتی پس از ناکارآمدی، سال‌ها بدون اصلاح باقی بمانند. این مسأله در رابطه با مقررات مرتبط با ورشکستگی، ثبت شرکت‌ها و حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی به وضوح مشاهده می‌شود.

د) عدم هماهنگی قوانین با سیاست‌های کلان اقتصادی کشور

در اسناد بالادستی همچون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، و برنامه‌های توسعه پنج‌ساله، بر توسعه بخش خصوصی، تسهیل محیط کسب و کار، و جذب سرمایه‌گذاری تأکید شده است. با این حال، قوانین تجاری در ایران غالباً فاقد پیش‌بینی‌های مناسب



برای تحقق این اهداف‌اند. برای نمونه، هنوز چارچوب حقوقی مشخصی برای قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک (Joint Ventures) یا حمایت حقوقی از استارت‌آپ‌ها و بنگاه‌های نوآور در نظام حقوقی تجارت ایران وجود ندارد.

پیشنهاد‌های اصلاحی نویسنده در این راستا به شرح زیر هستند:

۱. تدوین قانون تجارت جدید بر اساس رویکرد کارکردی-اقتصادی با مشارکت اتاق‌های بازرگانی، نهادهای توسعه‌ای و بخش خصوصی.
۲. ایجاد شورای هماهنگی حقوق و اقتصاد در سطح ملی برای یکپارچه‌سازی سیاست‌های تقنینی و اقتصادی.
۳. الزام به انجام تحلیل اثرات اقتصادی قبل از تصویب هر قانون تجاری بر اساس الگوی OECD و اتحادیه اروپا.
۴. استقرار نظام ارزیابی پس از اجرا برای قوانین تجاری با هدف اصلاح و به‌روزرسانی مستمر مقررات.
۵. افزایش شفافیت و دسترسی آزاد به داده‌های اقتصادی مرتبط با تدوین مقررات تجاری برای نهادهای پژوهشی و حقوقی.

۴-۱. تحلیل رویه قضایی و مشکلات در دادگاه‌های عمومی

نظام دادرسی مؤثر، شفاف و تخصص‌محور، یکی از ارکان بنیادین تحقق امنیت حقوقی و توسعه تجارت در هر کشور است. با این حال، یکی از موانع جدی در مسیر کارآمدی نظام حقوق تجارت در ایران، عملکرد ناپایدار و بعضاً متناقض رویه‌های قضایی در دادگاه‌های عمومی در رسیدگی به دعاوی



تجاری است. این موضوع در کنار فقدان دادگاه‌های تخصصی تجاری، موجب نارضایتی فعالان اقتصادی و بی‌اعتمادی به فرآیند حل و فصل اختلافات شده است.

الف) عدم تخصص قضات در موضوعات تجاری

دادگاه‌های عمومی که صلاحیت رسیدگی به دعاوی تجاری را دارند، اغلب با کمبود نیروی قضایی متخصص در حوزه تجارت، قراردادهای بین‌المللی، اسناد اعتباری، شرکت‌ها، ورشکستگی و سایر موضوعات پیچیده مواجه‌اند. قضاتی که به دعاوی تجاری رسیدگی می‌کنند، معمولاً آموزش تخصصی در این حوزه ندیده‌اند و این مسأله منجر به صدور آرای می‌شود که یا ناظر بر اصول کلی حقوق مدنی است یا فاقد درک درست از مفاهیم تخصصی بازرگانی است. برای نمونه، در بسیاری از آرای صادره پیرامون قراردادهای نمایندگی، حمل و نقل بین‌المللی یا شرط داوری، دادگاه‌های عمومی نتوانسته‌اند به شکل صحیح قواعد خاص حاکم بر روابط تجاری بین‌المللی را تشخیص دهند.

ب) رویه‌های متضاد و فقدان رویه واحد

بررسی رویه قضایی موجود در محاکم ایران نشان می‌دهد که در موارد مشابه، احکام متفاوت و بعضاً متعارض صادر می‌شود. این امر ناشی از فقدان پایگاه متمرکز برای ثبت، انتشار و تحلیل آرا و همچنین نبود نظام رویه‌محور یا الزام آور بودن آرای وحدت رویه در دعاوی تجاری است. در حالی که نظام‌هایی نظیر Common Law به شدت متکی بر پیشینه قضایی (precedents) هستند و حتی در کشورهای حقوق نوشته نظیر فرانسه نیز نهاد Cour de cassation به عنوان عامل یکنواخت‌سازی رویه‌ها عمل می‌کند، در ایران وحدت رویه قضایی بیشتر جنبه انتزاعی و کند دارد.



ج) اطلاع دادرسی و ناکارآمدی ساختاری

یکی از معضلات جدی فعالان اقتصادی در دعاوی تجاری، زمان طولانی رسیدگی در دادگاه‌های عمومی است. اطلاع دادرسی، که بعضاً از ثبت دادخواست تا صدور رأی قطعی چند سال به طول می‌انجامد، موجب کاهش اعتماد فعالان اقتصادی به دادگاه‌ها و گرایش به داوری‌های غیررسمی یا بین‌المللی شده است. این مسأله به‌ویژه در پرونده‌های پیچیده نظیر ورشکستگی شرکت‌ها، اختلافات قراردادی کلان یا اجرای ضمانت‌نامه‌های بانکی بیشتر به چشم می‌خورد.

د) عدم ارتباط مؤثر با مراجع بین‌المللی و قواعد فراملی

در موارد متعددی، دادگاه‌های عمومی ایران بدون توجه به اسناد بین‌المللی پذیرفته‌شده نظیر کنوانسیون CISG یا قواعد UNIDROIT اقدام به رسیدگی می‌کنند. عدم آشنایی قضات با این اسناد یا بی‌توجهی به اصل تفسیر بین‌المللی قواعد، موجب شده است تا حقوق تجارت ایران در عمل از فرایند هارمونی‌سازی با حقوق تجارت بین‌الملل بازماند. در حالی که بسیاری از کشورها با استناد به قواعد بین‌المللی در آرای قضایی خود، زمینه تطبیق‌پذیری و اعتمادسازی در تجارت فرامرزی را فراهم می‌کنند.

پیشنهادهای اصلاحی نویسنده در این راستا به شرح زیر هستند:

- ایجاد دادگاه‌های تخصصی تجاری در مراکز استان‌ها با حضور قضات متخصص در حقوق تجارت و اقتصاد.
- ۲. الزام آموزش‌های حرفه‌ای مستمر برای قضات تجاری با همکاری دانشکده‌های حقوق و مراکز داوری.



- ۳. ایجاد پایگاه داده الکترونیکی برای آرای تجاری و تحلیل رویه‌های قضایی با هدف وحدت رویه و افزایش شفافیت.
- ۴. تدوین دستورالعمل‌های تخصصی برای رسیدگی به انواع دعاوی تجاری از جمله داوری، ورشکستگی، قراردادهای بازرگانی و ضمانت‌نامه‌ها.
- گنجاندن ارجاعات به اسناد بین‌المللی و حقوق تطبیقی در آرای قضایی به منظور به‌روزرسانی و تطبیق با نظام‌های پیشرفته.

نتیجه‌گیری

این مقاله با تمرکز بر نظام تقنینی و اجرایی حقوق تجارت در ایران، تلاشی تحلیلی و نقادانه در جهت تبیین کاستی‌های ساختاری، سیاست‌گذاری و نهادی این حوزه ارائه داد. این تحقیق در سه بخش مجزا به بررسی مهم‌ترین موانع و اختلالات در کارآمدی حقوق تجارت داخلی پرداخته و نشان داد که نظام فعلی با چه چالش‌های بنیادینی در سطوح قانون‌گذاری، اجرا و ارتباط با سیاست اقتصادی مواجه است.

۱. نقد الگوی تقنینی: قانون‌گذاری موردی، واکنشی و فاقد انسجام راهبردی

در بخش نخست، تأکید شد که ساختار تقنینی موجود در حوزه تجارت در ایران، عمدتاً به صورت «پاسخ‌های موردی» به بحران‌ها و رخداد‌های بیرونی شکل گرفته و فاقد انسجام، پیش‌بینی‌پذیری و راهبرد کلان است. نبود نهاد قانون‌گذاری تخصصی و عدم توجه به تحولات بین‌المللی، موجب گسست میان قوانین تجارت و واقعیات بازار شده است. این مشکل را می‌توان در روند نگارش و اصلاح قوانین کلیدی مانند قانون تجارت، قانون صدور چک و قانون مالیات بر ارزش افزوده مشاهده کرد.



۲. مشکلات اجرایی و بوروکراتیک در ساختار تجارت داخلی

در بخش دوم، ناکارآمدی‌های اجرایی از جمله پیچیدگی‌های صدور مجوزها، ناهماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی، عدم شفافیت رویه‌های گمرکی، و فقدان نهادهای پشتیبان حقوقی برای فعالان اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت. این مشکلات نه تنها روند تأسیس و فعالیت بنگاه‌ها را کند می‌کند، بلکه زمینه‌ساز فساد اداری و افزایش ریسک‌های تجاری نیز می‌گردد. تجربه کشورهای موفق در این حوزه—نظیر گرجستان، سنگاپور و هلند—نشان می‌دهد که تسهیل بوروکراسی تجاری از طریق نهادسازی دیجیتال و شفاف‌سازی رویه‌ها نقش مهمی در ارتقاء محیط کسب و کار دارد.

۳. فقدان پیوند مؤثر میان حقوق تجارت و سیاست‌گذاری اقتصادی

بخش سوم، به شکاف عمیق میان نظام حقوقی تجارت و سیاست‌های کلان اقتصادی پرداخت. عدم هم‌راستایی میان برنامه‌های توسعه اقتصادی، سیاست‌های صنعتی، و قوانین تجارت، یکی از موانع بنیادین رشد اقتصادی پایدار و خصوصی‌سازی مؤثر در کشور است. به عبارت دیگر، حقوق تجارت به جای آن که بازوی حقوقی نهادساز سیاست‌های اقتصادی باشد، تبدیل به مجموعه‌ای از قواعد منفک از برنامه‌ریزی اقتصادی شده است.

در این میان، نهادهایی مانند شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی، اگرچه به‌درستی تأسیس شده‌اند، اما در عمل از اختیارات و ظرفیت تصمیم‌سازی برخوردار نیستند. این مسأله موجب می‌شود که حقوق تجارت نتواند نقش سازنده‌ای در تحقق اهداف اقتصادی همچون جهش تولید، ارتقاء صادرات یا حمایت از کسب و کارهای نوآور ایفا کند.

نهایتاً در مجموع، این تحقیق نشان داد که ناکارآمدی حقوق تجارت داخلی، محصول تلاقی سه عامل اساسی است:



۱. ضعف در قانون‌گذاری تخصصی و پیش‌نگر؛

۲. موانع اجرایی، اداری و بوروکراتیک در اجرای قواعد تجارت؛

۳. نبود پیوند ارگانیک میان سیاست‌گذاری اقتصادی و ساختار حقوقی تجارت.

در مقام راهبرد، ضروری است که اصلاح نظام حقوق تجارت ایران نه به صورت بخشی، بلکه با رویکردی جامع، نهادی و تطبیقی صورت گیرد. ایجاد نهادهای هماهنگ‌کننده، بازنگری اساسی در روند قانون‌گذاری، دیجیتال‌سازی فرآیندهای تجاری، و افزایش ظرفیت کارشناسی دستگاه‌های ذی‌ربط، از جمله اقدامات کلیدی برای حرکت به سوی یک نظام حقوق تجارت کارآمد و سازگار با تحولات جهانی خواهد بود.



منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی (داخلی)

۱. قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ با اصلاحات بعدی
۲. لایحه اصلاح قانون تجارت (بررسی‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)
۳. قانون ثبت شرکت‌ها، مصوب ۱۳۱۰
۴. قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی، مصوب ۱۳۱۸
۵. قانون داوری تجاری بین‌المللی، مصوب ۱۳۷۶
۶. قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، مصوب ۱۳۹۴
۷. قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، مصوب ۱۳۹۰
۸. قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۵
۹. گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی درباره تجارت، داوری و اصلاحات تقنینی
۱۰. دبستانی رفسنجانی، علیرضا. قواعد ناظر بر سازمان‌های تجاری بین‌المللی و شرکت‌های چندملیتی. تهران: انتشارات قانون یار، ۱۴۰۳.
۱۱. اسکینی، ربیعا. حقوق تجارت تهران: انتشارات سمت



۱۲. شیروی، عبدالحسین. حقوق تجارت بین‌الملل. تهران: سمت، چاپ‌های مختلف.
۱۳. معاونت حقوقی ریاست جمهوری. مجموعه نشست‌های نقد و بررسی لایحه اصلاح قانون تجارت، ۱۳۹۸-۱۴۰۰.
۱۴. محمود، حبیبی. قراردادهای تجاری بین‌المللی. تهران: نشر میزان
۱۵. حسین، صفایی، حقوق‌بیع بین‌الملل، تهران، دانشگاه تهران
۱۶. شیروی، عبدالحسین. داوری تجاری بین‌المللی. تهران: سمت، چاپ‌های مختلف.
۱۷. دبستانی رفسنجانی، علیرضا. حقوق تجارت تطبیقی و نوین. تهران: انتشارات قانون‌یار، ۱۴۰۴

ب. منابع خارجی (بین‌المللی)

۱. United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (CISG), ۱۹۸۰.
۲. UNIDROIT Principles of International Commercial Contracts, ۲۰۱۶.
۳. International Chamber of Commerce (ICC), *Incoterms*® ۲۰۲۰.
۴. OECD Principles of Corporate Governance, ۲۰۱۵.
۵. World Bank Doing Business Reports (۲۰۱۷-۲۰۲۰ editions).
۶. International Arbitration Reports and Guidelines (ICCA, LCIA, ICC).
۷. UNCITRAL Model Law on International Commercial Arbitration, ۱۹۸۵ (with ۲۰۰۶ amendments).
۸. UNCITRAL Model Law on Electronic Commerce, ۱۹۹۶.

۹. World Trade Organization (WTO) Reports and Dispute Settlement Summaries.
۱۰. International Centre for Settlement of Investment Disputes (ICSID) – Caselaw Reports and Commentary.
۱۱. Allen, L., & Wüstenhagen, R. (۲۰۱۹). *Blockchain and Smart Contracts in International Trade*. Journal of Trade Law and Technology, Vol. ۱۴.
۱۲. Bernstein, L. (۲۰۰۱). "Private Commercial Law in the Global Marketplace." *Harvard Law Review*, Vol. ۱۲۰(۶).
۱۳. Schmitthoff, C. M. (۱۹۹۰). *Export Trade: The Law and Practice of International Trade*. London: Stevens.
۱۴. Goode, R. (۲۰۱۶). *Commercial Law*. London: Penguin.
۱۵. Bridge, M. G. (۲۰۱۷). *The International Sale of Goods*. Oxford University Press.
۱۶. Horn, N., Norbert, & Kötz, H. (۱۹۹۷). *German Private and Commercial Law: An Introduction*. Oxford University Press.
۱۷. International Bar Association. *Legal Tech and Smart Contracts Guidelines*, ۲۰۲۱.
۱۸. European Union. *Digital Trade and Regulation White Paper*, ۲۰۲۲.
۱۹. Reports of the International Institute for the Unification of Private Law (UNIDROIT).
۲۰. ICC Commission Reports on Commercial Contracts and Dispute Resolution, ۲۰۲۱–۲۰۲۳.